

تجربه کرده‌اید؟

عموم دست‌بردار نبود. چون من در درس عربی قوی بودم، زمینه‌ای فراهم کرد تا در مدارس غیرانتفاعی عربی تدریس کنم اما چون ساعت‌های تدریس خیلی محدود بود، به کارم در سینما لطمه‌ای نمی‌زد.

بزرگ‌ترین خواسته و رویای تان در آن سن و سال چه بود؟

بهتر است بپرسید رویای کودکی ام چه بود. از بچگی هروقت کسی از من می‌پرسید امیر حسین، می‌خواهی چه کار شوی، بی‌توجه به سؤالش می‌گفتم: «دوست دارم بروم مشهد». آرزویم از کودکی این بود که در این شهر زندگی کنم. وقتی بزرگ شدم، با وجود مشغله‌های کاری، گاهی یک‌روزه به مشهد سفر می‌کردم و فوری برمی‌گشتم.

و این رؤیا سرانجام رنگ واقعیت به خود گرفت. بله، ۲۷ مهر سال ۷۸ برای زیارت امام هاشم (ع) به مشهد آمدم. دوسه شب در هتلی در بازار چۀ آستانه پرست اقامت کردم. قبل از برگشت برای اینکه حال دوستان را بپرسم، به چند نفرشان زنگ زدم. یکی از آن‌ها آقای فرجی بود که حق زیادی به گردن من داشت. از آرزوی قلبی‌ام نمی‌دانست. وقتی احوال‌پرسی تمام شد و فهمید که برای زیارت به مشهد آمده‌ام، از من سؤالی کرد که در جامی‌خوب شدم. گفت: «می‌خواهی در یکی از سینماهای مشهد کار کنی؟ اگر تمایل داری، همین حالا حکمت را می‌زنم». گوشی تلفن همگانی از دستم رها و اشکم جاری شد. روبه‌روی حرم ایستادم و از خدا و امام‌رضا (ع) تشکر کردم.

می‌توانستید در تهران بمانید و مدیریت سینماهای بزرگ‌تری را تجربه کنید. وجود امام‌رضا (ع) به من چنان آرامشی می‌دهد که آن را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.

برای کدام سینما و چه سمتی انتخاب شدید؟

سوم آبان به سینما سیمیرغ معرفی شدم و همان روز به‌عنوان نماینده فروش بلیت و ناظر سینما با اکران فیلم شوخی، کارم را شروع کردم. از اول تیر سال ۹۴ نیز تا به الان، هم‌زمان مدیریت سینمایپروزی را برعهده داشته‌ام. علاوه بر این در سال‌های ۷۹ و ۸۰، سینما بهمن را مدیریت کردم.

یک جوان مجرد شهرستانی که تجارب سینماداری در تهران را نیز دارد به آرزویش می‌رسد و به مشهد می‌آید. در ابتدا مشکل اقامت نداشتید؟

اوایل در سوئیت خود سینما بودم و کل زندگی ام توی همین دنیا بود.

چه موقع مدیریت سیمیرغ را به شما سپردند؟ شش ماه بعد از حضورم، پیشنهاد مدیریت مجموعه را به من دادند و از همان سال ۷۸ تاکنون مدیر اینجا هستم.

چه مشکلاتی سررا هتان بود؟ سینما ابتدا بدهی داشت و اقبال چندانی هم از آن نمی‌شد. به لطف خدا کم‌کم پیش‌رفتیم. گرچه ابتدای کار عده‌ای از من خوش‌شان نمی‌آمد و برایم توطئه چیدند، بعدها به گناه خودشان اعتراف کردند و الان اوضاع خوب است.

ویژگی بارز مدیریت شما چیست؟ در کار با هیچ فردی شوخی ندارم و در عین حال با همه رفیقم. اگر جایی لازم باشد، خودم آستین‌هایم را بالا می‌زنم و در نظافت سینما کمک می‌کنم اما کارکنان مجموعه سینمایی سیمیرغ می‌دانند که هرکسی باید به‌درستی به وظیفه‌اش عمل کند. همچنین بسیار اهل تعامل هستم و تاجایی که بتوانم، موانع را با گفتگو برطرف می‌کنم، نه زور می‌گویم و نه زیر بار حرف زور می‌روم.

ظاهر آکنسرت هم در این مجموعه اجرا شده است؟

بله، درست است. قدیم ترها روزهای چهارشنبه تا جمعه با مجوز وزارت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد، کنسرت‌های گروه‌های مختلفی مثل دامون و یگانه و شنتی را برگزار می‌کردیم.

تا به حال پیش آمده که برای اکران شدن یا نشدن فیلمی توبیخ شوید؟

توبیخ که جای خود دارد، روانه بازداشتگاه هم شده‌ام، اما من پوست کلفت‌تر از این حرف‌ها هستم و جز از خدا کسی نمی‌ترسم. شب پیش از اکران فیلم مارمولک، چند نفر با لباس نظامی و نردبان، پرده‌های تبلیغاتی فیلم را از سردر سینما کشیدند و گفتند دستور آمده حق اکران این فیلم را ندارید. من هم مجوز اکران از اداره ارشاد داشتم و بی‌هیچ ترس و واهمه‌ای فردا صبح، آن را بر پرده سینما نمایش دادم. همان روز حکم جلب ما را به خاطر اکران فیلم گرفتند. یک نفر ضمانت کرد و آزاد شدم. به من گفتند حق ندارید با هیچ رسانه‌ای مصاحبه کنید، اما وقتی از یکی از روزنامه‌ها با من تماس گرفتند، ریز ما چرا را گفتم. دوباره من را بابت این موضوع احضار کردند و گفتم من جز واقعیت، حرفی نزنم. البته برای کنسرت‌ها هم چند بار در موقعیت‌های مشابهی گرفتار شدم، اما چون از مراجع مربوط، مجوز داشتم و می‌دانستم چه می‌کنم، گوشم به این حرف‌ها بدهکار نبود و مشکلات حل شد.

خانواده‌تان چه نقشی در موفقیت شما دارند؟ من سال ۸۲ تشکیل خانواده دادم. با اینکه بیشتر اوقات در سینما هستم، همسرم با تربیت خوب و صبیح دختر و پسر، بزرگ‌ترین حامی من بوده است.

دوست‌دارید فرزندان تان هم به این وادی وارد شوند؟

اگر خودشان علاقه داشته باشند، نهی‌شان نمی‌کنم.

چقدر با خانواده فیلم می‌بینید؟

متأسفانه به علت مشغله کاری اصلاً فرصت این کار ندارم. استراحت من، در تعطیلات روزهای شهادت ائمه است.

چرا قاسم آباد را برای زندگی انتخاب کردید؟ ابتدای ازدواج، مجتمع پردیس را که تقریباً مشرف به سینما سیمیرغ بود، برای زندگی انتخاب کردم. حدود سه سال هم در بولوار استاد یوسفی سکونت داشتم تا نزدیک سینما باشم. سه سال هم در شاهد ۵۹ ساکن بودیم. در حال حاضر هم منزل در بولوار شهید فلاحتی است. همه این مکان‌ها تقریباً نزدیک به سینماست و طبیعتاً برایم راحت‌تر است که در محدوده کاری ام سکونت داشته باشم.

تا به حال از سینماداری خسته شده‌اید؟ به هیچ وجه. برعکس، این عشق و علاقه باعث شده که هر روز تقریباً دوسوم وقتم را دور از خانواده و در سینما بگذرانم.

آخرین فیلمی که دیدید، نامش چه بود؟ پنج سال پیش، فیلم دل شکسته را با بازی شهاب حسینی در خانه دیدم.

عناوینی هم در زمینه حرفه خود کسب کرده‌اید؟

بله در دهه ۸۰، سه دوره از سوی اداره فرهنگ و ارشاد مشهد، به‌عنوان مدیر نمونه سینمای سال خراسان انتخاب شدم.

آفت سینماهای ما از نظر امیر حسین دبیرزاده چیست؟

مدیریت ضعیف و چسبیدن به میز مدیریت.

در کار با هیچ فردی شوخی ندارم و در عین حال با همه رفیقم. اگر جایی لازم باشد، خودم آستین‌هایم را بالا می‌زنم و در نظافت سینما کمک می‌کنم اما کارکنان مجموعه سینمایی سیمیرغ می‌دانند که هرکسی باید به‌درستی به وظیفه‌اش عمل کند

